

پیرامون بحران هسته ای !

با صدور آخرین قطعنامه آژانس بین المللی که خواهان توقف کامل غنی سازی اورانیوم توسط جمهوری اسلامی در زمان بندی معینی گردید و نیز تهدید به کنارگذاشتن سیاست تعلیق داوطلبانه توسط جمهوری اسلامی و آغاز اقداماتی در رابطه با آن، بحران حول برنامه هسته ای ایران با آژانس و قدرت های بزرگ غربی وارد مرحله تازه ای گردید. هم اکنون گفتگوهای فشرده ای بین طرفین در اروپا جریان دارد و بیش از چند هفته ای به تشکیل اجلاس بعدی آژانس برای تصمیم گیری در این مورد نمانده است. باتوجه به ابعاد داخلی و بین المللی این بحران کمیته مرکزی سازمان در آخرین نشست خود تصمیم گرفت که خطوط اصلی مواضع خود را بشرح زیر به اطلاع عموم برساند:

قدرت های امپریالیستی و بویژه دولت آمریکا مصمم هستند که از تسلیح جمهوری اسلامی به سلاح اتمی به هر قیمت ممانعت به عمل آورند. هم اکنون شاهد شکل گیری یک اجماع جهانی حول این هدف هستیم. روند قبضه کامل قدرت توسط تمامیت خواهان، برملاشدن اقدامات پنهانی رژیم در طی سال های گذشته و افزایش دامنه تروریسم و تنش های موجود در جهان و بالاخره شکست اقدامات مامشات طلبانه قبلی اروپا برای بازداشتن جمهوری اسلامی از ادامه برنامه های اتمی خود، زمینه حصول چنین اجماعی را فراهم آورده است.

شکست و ناکامی سیاست های آمریکا در عراق و منطقه و خلأ ناشی از آن، از یک سو پایوران جمهوری اسلامی را به الغاء معاهده سعد آباد و سودای دست یابی به امتیازات بیشتر ترغیب کرده است و از سوی دیگر گزینه دیپلماسی فعال با چاشنی سیاست ترکیب "هویج و شلاق" را بعنوان سیاست مقدم کشورهای غربی در برخورد با جمهوری اسلامی مطرح ساخته است. آنها آمادگی دارند برای دست یابی به هدف خود مبنی بردست کشیدن جمهوری اسلامی از تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی، دریاره ای از عرصه های اقتصادی و سیاسی به رژیم اسلامی امتیاز داده و سرکوب ها و جنایت های آن را نادیده انگارند و جمهوری اسلامی نیز نشان داده است که با مانور حول این مسأله در جستجوی دست یابی به حداکثر امتیازات ممکن است. گرچه رقابت کشورهای اروپا و دولت آمریکا با یکدیگر همچنان وجود خواهد داشت، با این همه برای دست یابی به نوعی مصالحه آمریکایی- اروپایی در قبال بحران ایران و منطقه در حال چانی زنی هستند.

بی تردید اگر اقدامات و فشارهای سیاسی-دیپلماتیک به نتیجه مطلوب نرسد، توسل به اقداماتی از نوع دیگر، نظیر تحریم اقتصادی و حتی بکارگیری فشارهای نظامی بصورت بمباران تأسیسات هسته ای و فلج کردن صدور نفت از دریا و زمین و نابودی زیرساخت ها و خطوط عمده اقتصادی در چشم اندازهای آینده منتفی نخواهد بود. چنین کاری توسط دولت آمریکا حتی اگر در معیت کشورهای دیگر صورت نگیرد با سکوت حمایت آمیز آنان همراه خواهد بود.

جمهوری اسلامی که استراتژی دست یابی به سلاح هسته ای را بعنوان ابزاری برای تداوم حیات رو به افول خود، چه بعنوان سلاح بازدارنده در برابر تهدیدات خارجی و چه بعنوان " نعمت الهی" برای برون رفت از بحران موجودیت و تثبیت موقعیت لرزان خود برگزیده است، آنرا در پوشش شعارهای اقتدار ملی و دست یابی به تکنولوژی، امنیت و استقلال و در قالب "اهداف صلح آمیز" انرژی هسته ای به خورد مردم و جهان می دهد و در شرایطی که کشور ما دارای یکی از منابع مهم نفتی و گازی جهان است، سرمایه های عظیمی را برای دست یابی به انرژی هسته ای و در واقع برای دست یابی به سلاح اتمی و "اقتدار اسلامی" و باج خواهی خود اختصاص داده است. و این درحالیست که حتی شرایط تأمین استانداردهای ایمنی برای استفاده بی خطر و مطمئن از راکتورهای اتمی در بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی نیز فراهم نیست تا چه برسد به جمهوری اسلامی که باندهای درون حکومتی آن در شاخ و شانه کشیدن به یکدیگر هوایپیمای نظامی را در آسمان به پرواز در آورده و فرودگاه خمینی را مسلحانه به اشغال خود درمی آورند. در واقعیت امر رژیم ولایت فقیه با پنهان کردن هدف خود در پشت شعار منافع ملی، کل هستی یک کشور و تمام هست و نیست آن را در معرض یورش و تجاوز قدرت های بزرگ جهانی قرار داده است. و این سیاست البته با توجه به ماهیت واپسگرایانه و جنایت کارانه این نظام که تلاش می کند سرنوشت محکوم به فروپاشی خود را با سرنوشت مردم و سرنوشت کشورگره بزند امر عجیبی نیست. سیاستی که در عین جنایت کارانه بودن آن، اوج پوسیدگی، انگلی بودن و سرشت بحران آفرین حکومت را به نمایش می گذارد و یک پاریدگر این حقیقت را با صدای بلند خاطر نشان می سازد که حرکت به سوی آزادی و استقلال و توسعه و عدالت جز با سرنگون کردن نظام جمهوری اسلامی ناممکن است.

بی گمان این مهم تنها می تواند بدست خود مردم و با همت آنان صورت گیرد. تجربه نشان داده است که "دمکراسی" کالای وارداتی نیست و نمی تواند در کوله پشتی سربازان مهاجم وارد کشور دیگری بشود. گوا اینکه اتیکت "دمکراسی" برای آنان جز پوششی برای سرپوش گذاشتن روی مطامع امپریالیستی، هرگز چیز دیگری نبوده است.

نتایج فاجعه بار تجربه مداخله نظامی و نیز تحریم اقتصادی فراگیر و کور و غیر هدفمند را در موارد متعدد و بویژه در مورد عراق همه شاهد بوده ایم. تجربه نشان داده است که تحریم های اقتصادی و مداخلات نظامی قبل از هر چیز عملاً با تقویت نیروهای مستبد و واپسگرا مردم را خانه خراب کرده و برای دموکراسی هم چون سم مهلکی بشمار می رود. در واقع همانطور که جمهوری اسلامی با جاه طلبی های اتمی خویش مواضع نیروهای افراطی و کسانی چون بوش را تقویت می کند و فضای مناسبی را برای آنها جهت حقایق بخشیدن به سیاست های مداخله گرانه و میلیتاریزه کردن فضای بین المللی فراهم میسازد، بهمان اندازه سیاست های میلیتاریستی، تحریم های کور و همه جانبه و دیگر سیاست های مداخله جویانه آمریکا و دول دیگر، با دوقطبی کردن فضای جهان و بویژه جوامع مورد تهدید، موجب تقویت مواضع این گونه حکومت های ارتجاعی و تروریستی و سرکوبگر می شود. درحقیقت تحریم اقتصادی در حکم آتش زدن درختان جنگل برای دست یابی به شکار است.

باتوجه به مؤلفه های فوق و در راستای مخالفت همیشگی نیروهای مترقی و صلح دوست جهان با تسلیح کشورهای فاقد این سلاح، به موازات دفاع از خلع سلاح عموم دارندگان این گونه سلاح ها و محکوم کردن آزمایشات هسته ای جدید و انباشت زرادخانه های اتمی، تشدید رقابت های منطقه ای و جهانی و بکارگیری سیاست های دوگانه قدرت های بزرگ در برخورد با این مسأله (از جمله برخورد دوگانه و جانبدارانه آمریکا با دو قدرت هسته ای خاورمیانه - اسرائیل و پاکستان -)، بر سوسیالیست ها و دموکرات ها و کلیه نیروهای مترقی و بشردوست است که بیش از پیش مواضع و اقدامات خود را حول محورهای زیرین متمرکز سازند:

- افشاء همه جانبه هدف ها و عواقب سیاست های ویران گرانه و بحران آفرین جمهوری اسلامی و ممانعت اربهره برداری رژیم از چالش اتمی برای تثبیت حاکمیت خود.
- مبارزه برای برچیده شدن همه سلاحهای کشتار جمعی و هسته ای از خاورمیانه و تبدیل خاورمیانه به منطقه ای عاری از این نوع سلاحهای مرگبار .
- افشای معیارهای دوگانه کشورهای امپریالیستی در ارتباط با سلاحهای کشتار جمعی . این سیاست ، جنگ و بحران را در منطقه خاورمیانه نهادی ساخته و تهدیدی جدی برای صلح منطقه و جهان است.
- مخالفت با هرگونه مداخله نظامی و تحریم های کور و فراگیر اقتصادی و تلاش برای جایگزین شدن آنها با فشارهای سیاسی هدفمند و معطوف به حمایت از دموکراسی و دفاع از حقوق بشرو مبارزات و مطالبات مردم.
- بسیج افکار عمومی جهان در راستای درخواست از کشورهای غربی، در جهت اعمال فشار به رژیم ایران بخاطر گسترش نقض حقوق بشر، و ممانعت از هر نوع معامله بر سر این مسئله .
- افکار عمومی جهانی - این ابرقدرت جدید - اکنون بیش از پیش نقش یافته و می تواند و باید به نقطه اتکای ما مبدل شود. درعین حال لازم است اپوزیسیون با آن گونه کمک ها و معاملات کشورهای غربی با رژیم جمهوری اسلامی که موجب تقویت بنیه نظامی و اقتصادی و یا سیاسی حکومت اسلامی میشود، بطور فعال مخالفت کنند و در این رابطه بویژه با هرگونه معامله قدرت های امپریالیستی با جمهوری اسلامی حول مشروط کردن تعلیق غنی سازی اورانیوم در ازاء نادیده گرفتن سرکوب و نقض حقوق بشردر جمهوری اسلامی و دادن امتیازات اقتصادی و سیاسی دیگر، به مخالفت جدی بپردازند.

21 آبان 1383 برابر با 11 نوامبر 2004

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)